

به نام خدا

به رنگ بندگی (صبغه الله)

برداشت هایی شاعرانه و آزاد از قرآن کریم

مؤلف :

مائده غلامرضایی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد



سرشناسه : غلامرضایی، مائده، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور: به رنگِ بندگی (صبغة الله) برداشت هایی شاعرانه و آزاد از قرآن کریم /
مولف: مائده غلامرضایی
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۸۷ ص.
شابک: ۵-۱۷۵-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: به رنگِ بندگی (صبغة الله)
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: به رنگِ بندگی (صبغة الله) برداشت هایی شاعرانه و آزاد از قرآن کریم

مولف: مائده غلامرضایی

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵

چاپ: زیر جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۵-۱۷۵-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran.journals.com



تقدیم به مادرم، که عمری ست با نور کلام وحی و عمق تفسیر قرآن، صبوری و

ایمان را در چشمانش مشق می‌کنم.

او که آیه‌آیه مهربانی را در متن زندگی‌ام جاری ساخت و الفبای عشق را از لابلای

کلمات الهی به من آموخت.

این اثر، کمترین پیشکشی‌ست به وسعت روح قرآنی‌اش که همواره روشنای مسیرم

بوده است.



فهرست

۷.....	پیش‌گفتار: مائده؛ سفره‌ای که از آسمان آمد
۹.....	فصل اول قایق واژه‌ها
۱۱.....	فصل دوم برزخ ترس
۱۵.....	فصل سوم وقتی خدا فقط نگاه می‌کند...
۱۹.....	فصل چهارم ایستاده برزانو
۲۲.....	فصل پنجم نهایی
۲۷.....	فصل ششم کوجه‌های انتظار
۳۱.....	فصل هفتم چرا باید رنج بکشم؟
۳۵.....	فصل هشتم وقتی امید نفس می‌کشد
۳۹.....	فصل نهم آینه‌ای در نگاه دیگران
۴۵.....	فصل دهم زیبایی بی‌نقاب
۴۹.....	فصل یازدهم جدال نور و سایه درون انسان
۵۳.....	فصل دوازدهم زبان و گفتار؛ راز ارتباط انسان
۵۷.....	فصل سیزدهم دست‌های نادیده
۶۱.....	فصل چهاردهم وقتی نگاه‌ها آزارم نداد
۶۵.....	فصل پانزدهم شکوه صبوری
۶۹.....	فصل شانزدهم صلح در میانه‌ی طوفان



فصل هفدهم لبه‌ی تردید؛ ترازوی کج؟ ۷۳

فصل هجدهم پرواز در حصارِ دین ۷۷

فصل نوزدهم اسبِ آهنی؛ بال‌های شارژیِ من ۸۱

فصل بیستم (پایان) قلب‌هایی که ویلچر نمی‌شناسند ۸۵

پیش‌گفتار: مائده؛ سفره‌ای که از آسمان آمد

در آغاز هر قصه‌ای، نامی هست و در پس هر نامی، تقدیری. نام مرا در دفتر آفرینش «مائده» نهادند؛ واژه‌ای که از بطن یکی از پر رمز و رازترین سوره‌های قرآن برآمده است. همیشه از خودم پرسیده‌ام: «چرا مائده؟» مائده در لغت به معنای سفره‌ای است که از آسمان نازل می‌شود، سرشار از نعمت و برکت، برای کسانی که در بیابان تردید و گرسنگی روح، دنبال معجزه‌ای می‌گردند.

آیا سرنوشت ما از پیش نوشته شده است؟ شاید!

وقتی به صفحات زندگی‌ام نگاه می‌کنم، می‌بینم که تقدیر من با ناتوانی تن و توانمندی روح گره خورده است. سوره‌ی مائده، با جمله‌ی "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید" آغاز می‌شود. و من، مائده، گویی پیمانی با پروردگارم بسته‌ام؛ پیمانِ ایستادگی بر روی صندلی صبری.

تفسیر این سوره برای من در یک جمله خلاصه می‌شود: «مائده، مظهر رحمت خاص خداست در اوج نیاز.» همان‌طور که حواریون عیسی در لحظه‌ی تنهایی و نیاز، تمنای مائده‌ای آسمانی کردند، من نیز در لحظات سخت معلولیت، در

تنهاترین ساعاتِ کلنجار رفتن با جسمم، تمنایِ نوری داشتم. و آن نور، همان «ایمان» و «عشق» بود که چون سفره‌ای آسمانی بر من نازل شد.

این کتاب، روایتِ دختری است که نامش با برکتِ گره خورده، اما مسیرش از سنگلاخِ سختی‌ها می‌گذرد. من در این اوراق، تکه‌هایی از روحم را به اشتراک گذاشته‌ام تا بگویم: اگرچه پاهایم بر زمین استوار نیست، اما سفره‌ی دلم برای چشیدنِ طعمِ رضایِ خدا همیشه پهن است. من آموخته‌ام که مائده بودن، یعنی بخشیدنِ امید به دیگران، حتی وقتی خودت درگیرِ طوفانی.

این سوره به ما یاد می‌دهد که حلال و حرام، مرزهایِ بندگی هستند. و من مرزِ بندگی‌ام را در آغوش کشیدنِ تقدیرم یافتم. دعوتان می‌کنم به نشستن پایِ این سفره‌ی کلمات؛ سفره‌ای که در آن، ویلچرِ برقی من، سکویِ پروازم شده و لکنتِ زبانم، زیباترین غزلِ ستایشِ پروردگار.

باعشق و ایمان،

مائده غلامرضایی



فصل اول قایق واژه‌ها

خیلی وقت است که دست به قلم نشدم؛

نمی‌دانم کم‌لطفی از من است

یا غرق شده‌ام در دریای پر تلاطم زندگی

و از یاد برده‌ام که

می‌شود سوار قایق واژه‌ها شد

و تا ساحل آرامش، پارو زد...

آیه:

وَهُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...

و اوست خدایی که شما را در خشکی و دریا می‌برد...

(سوره یونس - آیه ۲۲)



تأمل:

یادم رفته بود که هنوز سوار قایق هستم...

شاید من فقط پارو نمی‌زدم.

در دریای آشفستگی،

نوشتن همان عبادت خاموشی‌ست که خدا هم کنارش پارو می‌زند.

کافی‌ست دوباره بخواهی،

او کسی‌ست که دریا را آرام می‌کند،

و واژه‌ها را نجات می‌دهد...



فصل دوم برزخِ ترس

حس می‌کنم گم شده‌ام؛

در برزخی به نام «ترس».

آینده‌ی ناشناخته‌ام هر لحظه چهارستون احساسم را می‌لرزاند.

زندگی، وقتی لب‌ها بسته‌اند و دست‌وپا در بند است،

می‌شود جنگی نابرابر...

اما میان همین ناکامی‌ها

من هنوز دنبال معنای زندگی می‌گردم.



آیه: ﴿

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، در حالی که خیر شما در آن است...

(سوره بقره - آیه ۲۱۶)

تأمل: ﴿

گاهی خدا ما را در برزخ ترس نگه می‌دارد،

نه برای عذاب... بلکه برای تولد.

درست همان‌جا که می‌ترسی گم شوی،

او امید را به دلت می‌فرستد، آرام و بی‌صدا.

من شاید با دستان بسته بجنگم،

اما خدا، درونم شمشیری ساخته به اسم «ایمان».



و چه زیباست که حتی در تاریکی،

دنبال معنا می‌گردیم...

چون آن‌که به دنبال معناست،

هیچ‌وقت گم نمی‌شود.



فصل سوم وقتی خدا فقط نگاه می‌کند...

با چشم‌هایی پُر از اشک می‌نویسم،

از داستان تلخی که هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد.

قلبم، چاک‌چاک است از نامهربانی زندگی...

از آن‌همه تلاش که جز حسرت و اندوه، ثمری نداشت.

کاش می‌دانستم زندگی از جانم چه می‌خواهد.

هر بار که به تاریخ روزهای رفته‌ام نگاه می‌کنم،

ردپای تکرار تلخی‌ها را می‌بینم

که انگار برای همیشه، مرا انتخاب کرده‌اند.

خسته‌ام از خواستن‌هایی که اجابت نشدند...

از دردهایی که درمان ندارند،